



الف

A

کنکور ۱۴۰۰



A

پاسخنامه ماز

کنکور ریاضی

درس: عربی

هادی پولادی

تهیه شده توسط:

ماز پر مخاطب ترین برگزار کننده آزمون های آزمایشی آنلاین
در کشور و تنها موسسه ای است که
مطابقت مستندی با کنکور سراسری ارائه می کند.



اشتراک الماس ماز

بهترین انتخاب برای کنکور ۱۴۰۱
اولین و آخرین خرید سال کنکور
با خرید این اشتراک تمامی محصولات ماز برای شما فعال می‌شود
(آزمون - کلاس - همایش - پروژه جمع‌بندی - نکته و تست - دوپینگ)

<https://liink.ir/6bf2>

۰۲۱۷۴۲۸۵

۰۷۱۳۲۲۷۱۸۸۴

۰۷۱۳۲۲۷۱۹۸۷

برای شرکت در آزمون‌های ماز و مشابهت مطابقت ماز با کنکورهای سراسری روی لینک زیر کلیک کنید. 😊

www.biomazeedu.ir

■ ■ عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (٢٦ - ٣٥)

۲۶- ﴿ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا، فَعَصَىٰ فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ ﴾:

- (۱) پیامبر را که برای فرعون مبعوث کردیم، فرعون از او اطاعت نکرد.
 - (۲) بسوی فرعون رسولی فرستادیم، پس فرعون از آن رسول نافرمانی کرد.
 - (۳) رسولی بسوی فرعون گسیل داشتیم، ولی فرعون از رسول ما سرپیچی کرد.
 - (۴) برای فرعون آن پیامبر را ارسال کردیم، پس فرعون بر آن پیامبر عصیان کرد.
- ۲۷- « الصَّدَقُ كَصَحَّةِ الْإِنْسَانِ، لَا يُمَكِّنُ أَنْ تُدْرِكَ قِيَمَتُهُ إِلَّا عِنْدَمَا يُفْقَدُ! »:

- (۱) صدق همان سلامتی انسان است، فقط زمانی که از دست برود قدر آن دانسته می‌شود!
 - (۲) صداقت مانند سلامتی انسان است، تا زمانی که از دست نرود امکان ندارد ارزش آن درک شود!
 - (۳) راستی همان صحت بدن انسان است، ارزشش درک نمی‌شود مگر آنگاه که آن را از دست بدهد!
 - (۴) درستی همچون سلامت بدن انسان است، نمی‌توانی قدر آن را دریابی مگر زمانی که از دست برود!
- ۲۸- « إِنْ ذَهَبْنَا مِنْ نَفْسِ الطَّرِيقِ الَّذِي كُنَّا نَذْهَبُ مِنْهُ مِنْ قَبْلُ، وَصَلْنَا إِلَىٰ ذَلِكَ الْمَكَانِ الَّذِي كُنَّا نَصِلُ إِلَيْهِ دَائِمًا! »:

- (۱) اگر از راهی برویم که همیشه می‌رفتیم، به آن مکانی می‌رسیم که قبلاً رسیده‌ایم!
 - (۲) اگر از راهی رفتیم که قبلاً رفته بودیم، به همان محلی که دائماً می‌رسیدیم رسیده‌ایم!
 - (۳) اگر از همان راهی رفتیم که دائماً رفته بودیم، به آن محلی که همیشه می‌رسیدیم، می‌رسیم!
 - (۴) اگر از همان راهی برویم که از قبل می‌رفتیم، به همان مکانی می‌رسیم که همیشه می‌رسیدیم!
- ۲۹- « مَنْ يُؤْمِنُ بِأَنَّهُ سَيَنْجَحُ فِي طَرِيقِهِ، لَا شَكَّ أَنَّهُ قَدْ اسْتَطَاعَ أَنْ يُوَصِلَ نَفْسَهُ إِلَىٰ نِصْفِ الطَّرِيقِ! »:

- (۱) هرکس ایمان داشته باشد که او در راهش پیروز خواهد شد، شکی نیست که خودش می‌تواند به نیمه راه برسد!
- (۲) آنکس که ایمان داشت که در آینده در راه خود موفق خواهد شد، حتماً خود توانسته است به اواسط راه برسد!
- (۳) کسی که ایمان داشته باشد به اینکه در راهش موفق خواهد شد، بی‌شک توانسته است خود را به نیمه راه برساند!
- (۴) هر آنکس که ایمان دارد به اینکه در مسیرش پیروز خواهد شد، قطعاً خواهد توانست که خود را به اواسط مسیر برساند!

۳۰- « الْإِحْتِفَاطُ بِالْوَحْدَةِ فَضْلٌ لَأَمْنِنَا الْمَفْكُورَةِ، وَلَكِنَّ الْأَعْدَاءَ يُشْجَعُونَ عَمَلَهُمْ أَنْ يَفْرَقُونَا! »:

- (۱) حفظ وحدت، برتری برای امت متفکر ماست، که دشمنانمان عوامل خود را به پراکنده ساختن ما تشویق می‌کنند!
- (۲) حفظ وحدت برای امت متفکر ما فضیلتی است، ولی دشمنان، مزدوران خود را تشویق می‌کنند که ما را پراکنده کنند!
- (۳) نگه داشتن وحدت امت اندیشمندان، فضیلتی است که دشمنان ما مزدوران را تشویق می‌کنند ما را پراکنده سازند!
- (۴) نگه داشتن وحدت برای امت ما که اندیشمند است فضلی بشمار می‌آید، ولی دشمنان عوامل خود را تشویق به پراکنده شدن ما می‌کنند!

۳۱- « مَنْ يَرَى النَّاسَ صِغَارًا، كَالَّذِي هُوَ وَاقِفٌ عَلَى قِمَّةِ الْجَبَلِ، يَرَاهُ النَّاسَ صَغِيرًا أَيْضًا »:

(۱) آنکه مردم در نظرش کوچکند، مثل کسی است که بر قله‌ای از کوه ایستاده، او هم در نظر مردم کوچک می‌نماید!

(۲) هرکس مردم را کوچک دید، همچون کسی است که بر قله‌ای در کوه ایستاده، مردم هم او را کوچک می‌بینند!

(۳) کسی که مردم را کوچک می‌بیند، چون کسی است که بر قله کوه ایستاده، مردم نیز او را کوچک می‌بینند!

(۴) هرآنکه مردم را کوچک انگاشت، همان کس است که روی قله کوه ایستاده، مردم هم او را کوچک می‌انگارند!

۳۲- « كَانَ رَجُلٌ هَاتِنِ الْقَبِيلَتَيْنِ يَنْهَبُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ مِنْ طَرِيقِ ذَلِكَ الْمَضِيقِ حَتَّى أُغْلِقَ بَسْتُ عَظِيمٍ مِنَ الْحَدِيدِ وَالنَّحَاسِ الْمَذَابِ »:

(۱) مردان این دو قبیله اموال مردم را از راه آن تنگه به یغما می‌بردند تا اینکه با سدّ بزرگی از آهن و مس ذوب شده، بسته شد.

(۲) مردان آن دو قبیله اموال مردمان را از طریق این تنگه غارت کردند تا اینکه بوسیله سدّ بزرگی از آهن و مس مذاب بسته شد.

(۳) بزرگان این دو قبیله دارائیهای مردم را از راه آن تنگه به یغما می‌بردند تا اینکه با سدّی بزرگ از مس و آهن آب شده بسته شود.

(۴) بزرگان آن دو قبیله دارائیهای مردمان را از طریق آن تنگه غارت می‌کردند تا اینکه بوسیله سدّی بزرگ از مس و آهن آن را بستند.

۳۳- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

(۱) کان صدیقی ألف کتابًا توجّد فيه قصصٌ مفيدة: دوستم کتابی تألیف کرد. در آن داستانهای مفیدی می‌یابی!

(۲) للاعبی المبارة وقت محدّد يجب أداء أعمالهم فيه: بازیکنان مسابقه در وقت مشخص باید کارها را انجام دهند!

(۳) اللهم اجعلنا ممّن يتوبون إليك فتقبلهم: خدایا ما را از کسانی قرار بده که به سوی تو توبه می‌کنند و آنها را می‌پذیری!

(۴) إن لم يتعاش الناس بعضهم بعضًا فلا سبيل لتقدّم بلدهم: مردم باید با یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند تا راهی برای پیشرفت کشورشان بیابند!

۳۴- عین الخطأ:

- (۱) بالحلم عن السقيفه يكثر الأنصار: بردباری بر نادان یاران را زیاد می کند!
- (۲) سيأتي الغد بكثير مما لا تعرفون: فردا بسیاری از آنچه را نمی دانید خواهد آورد!
- (۳) الله الذي ينصر المجاهدين و هم قليلون: خدا کسی است که مجاهدان را با اینکه اندکند یاری می کند!
- (۴) يوجد النفط تحت طبقات الأرض بعد مرور قرون: نفت زیر طبقات زمین بعد از گذشتن قرنهای یافت می شود!

۳۵- « کشاورز را دیدم درحالی که محصول را جمع می کرد. » عین الصحيح:

- (۱) شاهدتُ فلاحًا و هو يجمع محصوله.
- (۲) شاهدتُ فلاحًا و هو يجمع المحصول.
- (۳) رأيتُ الفلاح و هو يجمع محصولاً.
- (۴) رأيتُ الفلاح و هو يجمع المحصول.

■ ■ ■ اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة (۳۶ - ۴۲) بما يناسب النص:

الإنسان المثالي الذي يسعى للمجد هو الإنسان الذي ينظر إلى العالم كساحة لا يرى فيها إلا الحركة والنشاط، حيث إن الرخوة والسكون يساويان الموت! وكذلك إن كل من في الوجود إذا أراد النصر والظفر ملزم بمواجهة العالم كمجموعة فيها نزول وصعود لا حيلة منهما ولا يمكن اختيار أحدهما دون الآخر! فإن المصاعب التي تقع في سبيل الطالب - على سبيل المثال - هي التي تقع قليلاً أو كثيراً أو مشابهاً في سبيل الآخرين. فمن كانت نفسه متسعة تقبل الحياة بما فيها من دون ضجر، ولكن من كانت الحياة أكبر منه والذي صغر شأن نفسه فالحياة تتغلب عليه، فحينئذ يعيش هذا الإنسان مأیوساً يلعن الآخرين بحجة أنهم لم يكونوا في سبيل قضاء حوائجه!

۳۶- عین الصحيح:

- (۱) الحياة تواجه أبناء البشر مواجهة متشابهة!
- (۲) مقدار المصاعب يتساوى في جميع أبناء البشر!
- (۳) الرخوة و النزول و الصعود مما لا حيلة منها أبداً!
- (۴) المأیوس يعيش و هو يفكر في قضاء حوائج الآخرين!

۳۷- عین الصحيح:

- (۱) إن النزول و الصعود من أسباب الإنسان المثالي للوصول إلى المجد!
- (۲) من كانت نفسه متسعة فلا يرى المصاعب إلا في طريقه فقط!
- (۳) لا مصاعب إلا في طريق الإنسان المأیوس!
- (۴) لا يشعر بالسوء من يقبل الحياة بما فيها!

۳۸- من هو الإنسان الذي مرافقه النصر و الظفر؟ عین الخطأ:

- (۱) من تتغلب الحياة عليه!
- (۲) من لا يرى الحياة بوجه واحد فقط!
- (۳) من لا يفكر فقط بوقوع ما يحبه!
- (۴) من يرى أن النشاط هو من السنن الإلهية!

۳۹- عین ما هو الأنسب للعبارة التالية:

« إن المصاعب التي تقع في سبيل الطالب هي التي تقع في سبيل الآخرين ».

- (۱) النجاح وقف على من لا ينام!
(۲) لعل العسر يصبح يسراً في الغد!
(۳) الدهر يومان يوم لك و يوم عليك!
(۴) الدنيا محفوفة بالبلايا! (محفوفة: مستورة)

■ عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۰ - ۴۲)

۴۰- « كانت »:

- (۱) فعل ماضٍ - للمفرد المؤنث الغائب / من الأفعال الناقصة، بمعنى « بود »
(۲) فعل ماضٍ - للمفرد المؤنث / فعل من الأفعال الناقصة، و الجملة جواب شرط
(۳) ماضٍ - للمفرد - حروفه الأصلية ثلاثة / فعل من الأفعال الناقصة، بمعنى « بود »
(۴) ماضٍ - للمؤنث - له ثلاثة حروف أصلية / من الأفعال الناقصة، و الجملة شرطية
۴۱- « صغر »:

- (۱) ماضٍ - للمفرد الغائب - له حرف واحد زائد - معلوم / فعل و مفعوله « شأن »
(۲) ماضٍ - للمفرد المذكر الغائب - مصدره على وزن تفعيل - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية
(۳) فعل ماضٍ - له حرف زائد و مصدره « تصغير » على وزن تفعيل / فعل و فاعل، و الجملة فعلية
(۴) فعل ماضٍ - له حرف واحد زائد، و مصدره على وزن « تفعّل » / فعل و فاعل، و الجملة فعلية
۴۲- « الطالب »:

- (۱) مفرد مذكر - اسم فاعل (فعله: طَلَب) - معرف بآل / مضاف إليه للمضاف « سبيل »
(۲) اسم - مفرد مذكر - اسم فاعل (فعله: طَلَب، و مصدره: مطالبة) / مضاف إليه
(۳) مفرد مذكر - اسم فاعل (فعله « طلب » بدون حرف زائد) - معرف بآل
(۴) اسم - مفرد - اسم فاعل (من فعل « طلب » و اسم مفعوله: مطلوب)

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳- ۵۰)

۴۳- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) العلم نورٌ و ضياءٌ يقدِّفه الله في قلوب أوليائه.
(۲) ربُّ كتاب تجتهد في قراءته، ثم لا تحصل على فائدة منه.
(۳) عندما ينقطع تيار الكهرباء في الليل، يغرق كل مكان في الظلام.
(۴) في يوم من الأيام شاهد جماعة من المسافرين واقفين أمام المسجد.

۴۴- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) أَسْرَى: تحرَّك ليلاً (لاصباحاً)!
- (۲) المستنقع: مكان فيه مياه و رائحة مياهه كريهة!
- (۳) الغيم: نوع من السحاب لاينزل منه إلا المطر!
- (۴) الفريق: جماعة من الناس الذين لهم هدف واحد!

۴۵- عَيْنُ الْخَطَا عَنْ تَعْيِينِ السَّاعَةِ: الثانية عشرة إلا ربعا:

- (۱) ۱۱/۴۵ (۲) الحادية عشرة و خمس و أربعون دقيقة
- (۳) ۱۱ و ۳۰ دقيقة (۴) ۱۲ إلا خمس عشرة دقيقة

۴۶- عَيْنُ مَا فِيهِ «اسم التفضيل» أكثر:

- (۱) أعوذ من الشرور بأحسن الخالقين!
- (۲) أشرف الناس من يكون رؤوفاً للأسرة!
- (۳) أحب أوسط الأمور لأنها خير الأعمال!
- (۴) أفضلكم من هو ألين و ألطف للآخرين!

۴۷- عَيْنُ مَا فِيهِ لام الأمر:

- (۱) عند مشاهدة آثار قدرة الله ليخضع القلب!
- (۲) ساعد أصدقاءك ليخرجوا من مشاكلهم بسهولة!
- (۳) يجب على الإنسان كثير من المحاولات ليصلح نفسه!
- (۴) ذهب صديقي إلى متجر آخر ليشتري سروالاً أرخص!

۴۸- عَيْنُ مَا فِيهِ «نون الوقاية»:

- (۱) إِنْ اللَّيْلُ يُغْنِي حَتَّى إِذَا كَانَ فِي الْقَفْسِ!
- (۲) سَيَنْفَعُنِي غَدًا كُلُّ مَا أَتَعَلَّمُ الْيَوْمَ!
- (۳) لَا تَحْزَنِي إِنْ اللَّهُ يَسَاعِدُكَ فِي هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ!
- (۴) هَذَا الرَّجُلُ يَبْنِي بَيْتَهُ فِي حَدِيقَةٍ خَارِجَ الْمَدِينَةِ!

۴۹- عَيْنُ «ما» شَرْطِيَّة:

- (۱) ما تتعلّمه من العلوم المختلفة تُبَعِّدُكَ عن الجهالة!
- (۲) ما نبتت الأشجار الخائفة في بلدنا لأنها أشجار إستوائية!
- (۳) ما وجدت في ذلك الكتاب الذي أثر في نفسك بعد قرائته!
- (۴) ما من صابر يصبر على المشاكل إلا و هو يحصل على النجاح!

۵۰- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوق:

- (۱) إِنْ أَكْرَمْتَ الْكَرِيمَ إِكْرَامًا بَالِغًا تَشَاهِدُ نَتِيجَتَهُ!
- (۲) أدّب المؤمن نفسه قبل تعليم غيره تأديباً جميلاً!
- (۳) كان عش بعض الطيور بعيداً كثيراً عن المفترسين!
- (۴) رغب المسافرون أن يسكنوا في ذلك المكان رغبة كثيرة!

۲۶- گزینه ۲

«رسولاً»: رسولی، پیامبری (رد گزینه ۱ و ۴) / «الرسول»: آن رسول (پیامبر) (رد گزینه ۱ و ۳)

۲۷- گزینه ۲

«ك»: همانند، همچون (رد گزینه ۱ و ۳) / «صحة الإنسان»: سلامتی انسان (رد گزینه ۳ و ۴)

۲۸- گزینه ۴

«نفس»: همان (رد گزینه ۱ و ۲) / «كنّا نذهب»: می رفتیم (رد گزینه ۲ و ۳) / «كنّا نصل»: می رسیدیم (رد بقیه گزینه ها)

۲۹- گزینه ۳

«قد استطاع»: توانسته است (رد گزینه ۱ و ۴) / «أن يُوصل»: برساند (رد گزینه ۱ و ۲)

۳۰- گزینه ۲

«أُمتنا المفكرة»: امت متفکر ما (رد گزینه ۳ و ۴) / «الأعداء»: دشمنان (رد گزینه ۱ و ۳)

۳۱- گزینه ۳

«یری»: می بیند (رد بقیه گزینه ها) / «قمة الجبل»: قله کوه (رد گزینه ۱ و ۲)

۳۲- گزینه ۱

«رجال»: مردان (رد گزینه ۳ و ۴) / «هاتین القبيلتين»: این دو قبیله (رد گزینه ۲ و ۴)

۳۳- گزینه ۳

گزینه ۱: «كان ألف»: تالیف کرده بود

گزینه ۲: «اعمالهم»: کارهایشان

گزینه ۴: «إن لم يتعایش»: اگر همزیستی نکنند

۳۴- گزینه ۱

«یکثر»: زیاد می شود.

۳۵- گزینه ۴

کشاورز: «الفلاح» / «محصول»: محصول

۳۶- گزینه ۳

۳۷- گزینه ۴

۳۸- گزینه ۱

۳۹- گزینه ۴

۴۰- گزینه ۲

«کانت» جواب شرط نمی باشد .

۴۱- گزینه ۴

«صَغَر» بر وزن «فَعَّلَ» از باب تَفَعَّل نیست بلکه از باب تَفَعِيل می باشد .

۴۲- گزینه ۲

«الطالب» از فعل «طلب» می باشد و مصدرش «مطالبة» نمی باشد .

۴۳- گزینه ۴

«واقفین» اسم فاعل بوده و حرکه «ق» کسره می باشد.

۴۴- گزینه ۳

۴۵- گزینه ۳

«الساعة الثانية عشر إلا ربعاً» : دوازده و چهل و پنج

۴۶- گزینه ۴

«أفضل» / «ألين» / «ألطف»

۴۷- گزینه ۱

«لیخشع»: لام امر می باشد. به معنی (باید خاشع شود)

۴۸- گزینه ۲

«سینفعنی»: ریشه فعل (نفع) می باشد که «ن» وقایه بعدا به آن اضافه شده است .

۴۹- گزینه ۱

«تتعلمه»: فعل شرط / «تبعذك»: جواب شرط

۵۰- گزینه ۳

در گزینه ۱: إكراماً

در گزینه ۲: تأديباً

در گزینه ۴: رغبة